

توضیحات

مطلع اول

۱. بیضه بیضا: کنایه از خورشید درخشان است. تمام یازده بیت اول این مطلع، به‌عنوان «تعزّل» در وصف خورشید است و از مصراع دوم بیت دوازدهم، با «تخلّصی» نیکو، تغزّل به «مدح» می‌پیوندد.
۲. بیز: ریشه بیزیدن و بیختن صفت فاعلی مَرَحْمٌ - که در این صورت همواره به‌طور مرکب به‌کار رود. تَلَسَّ بیز: تابش زده، نورافشان.
۳. خَلْدٌ رَجَحٌ، رخسار، هر یک از دو جانب روی.
۴. بدخشان: نام شهری از حدود خراسان بزرگ، و امروز در شرق افغانستان؛ سنگ‌های گران‌بهای آن، به‌ویژه لعل بدخشانی، شهرت جهانی دارد. در اینجا کنایه از درخشان بودن است.
۵. رَکْهَوَارٌ: مرکب فراخ‌گام و خوش رونده و نجیب. یَلْدَا: لغت سریانی است به‌معنی میلاد عربی؛ و چون شب یلدا را با میلاد حضرت مسیح تطبیق می‌کرده‌اند از این‌رو بدین نام نهاده‌اند.
۶. شب یلدا: شب آخر پاییز و اول زمستان است که درازترین شب سال است و در آن شب با نزدیک به آن، آفتاب به‌برج جدی تحویل می‌کند و قدامت آن را سخت شوم و نامبارک می‌نگاشتند. شعرا زلف یاز و روز هجران را از حیث سیاهی و درازی به آن تشبیه می‌کنند. در بیشتر نقاط ایران در این شب مراسمی اجرا می‌شود، شب یلدا برابر است با شب اول جدی و شب هفتم دی ماه جلالی و شب بیست و یکم دسامبر.
۷. استبرق: (مُعَرَّب استبرک) دیبا و حریر سبزر (چنان‌که سُدَّاس دِیْبای تُنُک و نازک است).
۸. هامون: دشت هموار و بی‌درخت.
۹. پیدا(ء): بیابان، دشت.
۱۰. ملمع: رنگارنگ و گونه‌گون.
۱۱. ید بیضا: دست سپید و نورانی؛ اشاره است به‌معجزه حضرت موسی ع که چون به‌امر الهی دست خود را به‌زیر بغل می‌گرد و بیرون می‌آورد درخشان و نورافشان می‌شد.
۱۲. طورا: نام کوهی است در صحرائ سینا که حضرت موسی ع تجلّی الهی را بر درختی در آن مشاهده کرد.

- شراب طور نوشیده ز دست روشن موسی: اگر چهره خورشید چنین گذاخته و پرفروغ است از آن‌روست که گویا مست شراب جنبه الهی است که در کوه طور از دست معجز انبای موسی ع نوشیده است.
۹. ... بلکه هر دو به‌خشنده: خورشید بخشنده هر دو (یا قوت و در) است.
 ۱۰. عُثْمَانٌ: دریایی که در جنوب ایران قرار دارد و از قدیم در زبان و ادب فارسی، مثالی برای هرج و مرج دریا شده است.
 ۱۱. معنی مصراع دوم: خورشید نهان‌کننده صد عیان (دریا) در هر چشمه و روان‌کننده صد دریا از هر قطره است.
 ۱۲. چادر اَخْضَرٌ: کنایه از آسمان است.
 ۱۳. بپوشد چادر اخضر: (خورشید) آسمان را فرا می‌گیرد.
 ۱۴. بدره: کیسه‌ای از پشم یا پارچه ضخیم که طول آن از عرضش لدکی بیشتر باشد و آن را پَر از در و تسم کند.
 ۱۵. نفس پیغمبر: جان پیغمبر؛ مراد حضرت علی علیه‌السلام است به‌استناد آیه مباهنه (أل عمران: ۶۱) که همه مفسران بزرگ قرآن کریم در ذیل آیه مذکور، ضمن نقل ماجرای دعوت رسول ص از مسیحیان نجران به‌مباهنه، به آن دغان کرده‌اند.
 ۱۶. معنی بیت: همچنان که خورشید با پرتو درخشان و زرفشان خود سراسر آسمان را فرا می‌گیرد علی علیه‌السلام نیز - که چون جان پیغمبر اکرم ص است - همه عالمیان را از علم و فضل و کرم و عدل خود بهره‌مند می‌سازد.
 ۱۷. صَهْرٌ: حویثاوندی، شوهر دختر یا خواهر مرد. در اینجا مراد داماده است.
 ۱۸. یَعْسُوبٌ: پادشاه زبوران عسل؛ یعسوب‌الدین، لقبی است خاص امیر مؤمنان علی علیه‌السلام.
 ۱۹. نُفْلٌ: عطیه، خیمت، بخشش، زیادت.
 ۲۰. مَهْلُوتٌ: حمله بردن، حشمت، مهابت.
 ۲۱. پارا: (صفت فاعلی دائمی از پارستن) توانایی و زهره و دلیری و جرات.
 ۲۲. دَابٌ: روش و شیوه مستمر.
 ۲۳. زاب: صفت.
 ۲۴. نبی تیغ: شمشیر حضرت علی ع، معروف به‌ذوالفقار، را بنابر قول مشهور، رسول اکرم ص در جنگ احد به‌وی بخشید؛ و این‌که بعضی گمان برده‌اند که ذوالفقار دارای دو تیغه یا دوزبان بود

نادرست است. زیرا این شمشیر را از آن رو که بر پشت آن خراش‌های پست و هموار بوده (همچون ستون فقرات آدمی) ذوالفقار می‌نامیدند.

نبی مکرّم، رسول اکرم ص، اسیر خود را که دلدل نام داشت به‌عنی ع بخشید. هیچجا کارزار، بی‌کار.

۲۰. کَهفُ الْوَرَى: کَهف: غار، میجازاً به‌معنی پناهگاه. وَرَى: مردم.

آمه: دوات. طَرَفُ حَاوِي مَرَكَب: طرف حایوی مَرَكَب.

کَهفُ الْوَرَى آمه: دوات عنی ع که برای نوشتن فرمان‌های حکومتی مورد استفاده قرار می‌گرفت. جَوَلُ در راه اقامه و سَطُّ عدل به‌کار می‌رفت. پناهگاه مردمان بود.

شَمْسُ الضُّحَى: خورشید تابان.

خامه: قلم. نَبِي نُحَيْرِي: کنک.

بَدْرُ الدُّنْيَى: بدر: کامل و تمام گردیدن؛ دَجِي: تاریکی، تاریکی شب؛ بَدْرُ الدُّنْيَى: ماه تمام در شب تار.

۲۱. نَجْد: زمین بلند، فراز، راه روشن و پر بالا.

۲۲. حیدر (ه): شیر؛ نامی که مادر حضرت علی علیه‌السلام بر وی نهاد. رسول اکرم ص (یا ابوطالب) او را علی نامید.

صَفْدَر: از هم درنده و شکننده صفت لشکر؛ از القاب علی ع که در تداول غالباً در پی حیدر می‌آید. علی بر چشمه گوثر: حضرت رسول اکرم ص به‌عنی ع فرمود: "یا علی، تو و شیعیان وارد

بر حوض گوثر می‌شوید درحالی که خود سیرابید و دیگران را سیراب می‌کنید و درحالی که رویایان سیراب (و بورانی) است..." (ر.ک: مجمع‌الروایع، تألیف حافظ نورالدین علی

بن ابی‌بکر هبسی، مکتبه قدسی، ۱۳۵۲ ه.ق، ج ۹، ص ۱۳۱؛ کنز‌العقائد فی احادیث خیر‌الخلافت، تألیف علامه عبدالرؤف سناری، اسلامبول، ۱۲۸۵ ه.ق، ص ۱۸۸؛ الاستیعاب،

تألیف حافظ ابی‌عمر یوسف بن عبدالله معروف به ابی‌عبدالله، چاپخانه دائرةالمعارف حیدرآباد هند، ۱۳۳۶ ه.ق، ج ۲، ص ۴۵۷؛ مستدرک‌الصحیحین، تألیف حافظ ابی‌عبدالله محمد بن

عبدالله نیشابوری معروف به حاکم نیشابوری، چاپخانه مجلس دائرةالمعارف نظامیه حیدرآباد دکن، ۱۳۲۴ ه.ق، ج ۳، ص ۱۳۶).

همچنین از رسول اکرم ص روایت شده که فرمود: "علی بن ابی‌طالب در روز قیامت صاحب حوض من است..." (ر.ک: مجمع‌الروایع؛ کنز‌العقائد؛ خلیة‌الاولیاء، تألیف حافظ احمد

ابی‌نعیم، مصر، ۱۳۵۱ ه.ق، ج ۱، ص ۲۱۱، ریاض‌النضرة، کنز‌العقائد، تهذیب‌التهدیب؛ مستدرک‌الصحیحین).

علی در غزوة خیبر لوایش از همه بالا؛ عنی علیه‌السلام، به‌گوهی همه مورخان و محدثان - همان. حاصل روایت (یرجم) رسول خدا ص در همه جنگ‌های آن حضرت بود. جنگ خیبر نیز رسول اکرم ص فرمود: "...یرجم را نه کسی می‌دهم که او خدا و رسول را دوست می‌داند و خدا و رسول هم او را دوست می‌دارند..." و یرجم را به‌عنی ع داد. این حدیث به حدیث روایت مشهور است. (ر.ک: الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۹۹). امام احمد بن حنبل در مستند، ابن حجر عسقلانی در تهذیب‌التهدیب، ابن اثیر در أسد‌الغانه، متقی هندی در کنز‌العقائد، ابن سعد در طبقات کبری، محبت ضری در ریاض‌النضرة، هبسی در مجمع‌الروایع و صواعق‌المحترقة و... نیز روایاتی در این باب آورده‌اند.

۲۴. علی خیر‌الوثنی: اشاره است به حدیث شریف نبوی در بیان شأن نزول آیه ۷ سوره بینه (إِنَّ الَّذِينَ

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) که فرمود: "یا علی، خیر‌البریه تویی و شیعیان تواند". (ر.ک: محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع‌البیان، چاپ اول، چاپخانه کبرای بولاق

مصر، ۱۳۲۱ ه.ق، ج ۳۰، ص ۱۷۱؛ سیوطی در تفسیر الدرر‌المختور فی تفسیر‌المأثور، ذیل آیه مذکور؛ صواعق‌المحترقة، ص ۹۶؛ نور‌الابصار، تألیف شیخ تسلیحی معروف به مؤمن، چاپخانه میمیة

مصر، ۱۳۲۲ ه.ق).

صولت: حمله‌بردن، هیبت، شدت، خشم.

شفیع‌المُذنبین: شفاعت کننده گناهکاران.

طغری: نشانه‌ای که با خط درشت بر پیشانی احکام سلطانی و پیش از بسمله می‌کشیدند. به‌گفته صاحب تاج‌العروس، این کلمه تاتاری است و اصل آن طورغاست.

۲۶. محبت طبری در ریاض‌النضرة (چاپ اول، ج ۴، ص ۳۹) از ابن عباس روایت کرده که گفت:

رسول خدا ص فرمود: "هر که می‌خواهد به‌حلم ابراهیم و حکم نوح و جمال یوسف بنگرد به‌عنی بن ابی‌طالب نگاه کند". احادیث در بیان ویژگی‌های علی ع و مقایسه آن حضرت با انبیا

علیهم‌السلام بسیار است. این مورد از باب نمونه ذکر شد.

۲۷. قَابُ قَوْسَيْنِ: دو سر کمان؛ اشاره است به آیه ۹ از سوره نجم.

معنی بیت: همچنانکه از حیث مقام و منزلت، قرب رسول اکرم ص یا حدای تعالی به‌قدر قَاب

قَوْسینِ او آذنی ع بود، قرب علی علیه‌السلام به‌حضرت رسول ص نیز چنان بود.

۲۹. ورا دوش نبی معراج: اشاره است به ماجرای بالا رفتن علی علیه السلام بر شانه‌های رسول اکرم ص برای پایین انداختن بت‌های بام کعبه این ماجرا را نسائی در صحیح خود (جواب میمنه مصر، ۱۳۱۲ ه.ق. ص ۳۱)، حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین (ج ۲، ص ۲۶۶ و ج ۳، ص ۵)، احمد بن حنبل در مسند (جواب میمنه مصر، ۱۳۱۳ ه.ق. ج ۱، ص ۸۴ و ۱۵۱)، عقی هندی در کنز العمال (ج ۲، ص ۴۰۷) و محب طبری در ریاض النضره (چاپ اتحاد مصری، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۰۰) در قبل از هجرت دانسته‌اند و زنجیری در تفسیر کشاف، ذیل آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزُفِيَ الْبَاطِلُ...» آن را پس از فتح مکه آورده است.
- طرفه: شگفت و نادر. هر چیز نو و خوش.
۳۰. یعلو و لایعلی: (علی) برتر است و کسی را بر او برتری نباشد.

مطلع ثانی

۱. نفس پیغمبر: چنان‌که در توضیح بیت ۱۲ از مطلع اول گذشت، مراد حضرت علی علیه السلام است.
- آیه «قریبی»: اشاره است به آیه ۲۳ از سوره شوری.
۲. وزیر خواجه عالم: اشاره است به پیمان رسول اکرم ص درباره علی ع که بازها و در مجامع و مقاطع مختلف وی را به عنوان برادر و جانشین و وصی و وزیر خود معرفی کرد. این مطلب را عموم تفاسیر قرآن کریم در ذیل آیه «وَأَنْذَرُ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا: ۲۱۴) نقل کرده‌اند و مورخان و محدثان بزرگ نیز در کتب خود آن را به تواتر آورده‌اند.
۳. نجی: مخفف «نجی الله» لقب حضرت نوح علیه السلام.
- نوح نجی: اشاره است به حدیث مشهور به «حدیث سفینه» از رسول اکرم ص که فرمود: «مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است که هر که بر آن سوار شد نجات یافت و هر که از سوار شدن بر آن سرباز زد هلاک گردید» (رک: غایب المرام، تألیف سید هاشم بحرانی، ج ۱، ص ۲۱ و ج ۳، ص ۱۳ تا ۲۲ به نقل از دهها طریق: مستدرک الصحیحین، ج ۲، ص ۳۴۳؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۶؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸ و...).
۴. «مَنْ كُنْتُ مَوْلَانَا»: اشاره است به بخشی از خطبه شریف نبوی در غدیر خم که فرمود: «... مَنْ كُنْتُ مَوْلَا فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ...». این حدیث متواتر در اغلب و شاید همه مجامع حدیث شیعه و سنی نقل شده است. مرحوم علامه امینی در کتاب بی نظیر و جاودانه خود العنبر نه این حدیث و اسناد بسیار فراوان آن به تفصیل پرداخته است.
- ... گر این مولا و ر آن مولا: مراد آن است که کلمه و عنوان «مولا» در انتساب آن به حضرت علی علیه السلام همان معنا و مفهوم را دارد که در انتساب آن به رسول اکرم ص.

۵. «أَنْتَ مَوْلَانَا»: اشاره است به آیه ۲۸۶ سوره بقره.
۶. «وَأَلِ مِنْ وَالِيهِ...» «عَادَ مِنْ عَادِهِ»: اشاره است به بخشی دیگر از خطبه شریف نبوی در غدیر خم در ادامه «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ...» یعنی: خدایا، هر که عنی را دوست بدارد دوست بدان و هر که با او دشمنی ورزد دشمن بدان.
۷. صخرة صفا: سنگ سخت.
۸. شه دین و شه مردان ز یک نوردند تورافشان: اشاره است به حدیث رسول اکرم ص در این باره که آن حضرت و علی ع از یک نور آفریده شده‌اند. (رک: ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۶۴).
۹. کزار: بازگردنده، به تکرار حمله برنده: از القاب حضرت علی علیه السلام است: حیدر کزار. فرار: سخت گریزنده و دونده.
- عنقاء: سیمرغ (مرغ افسانه‌ای که جایگاه او در کوه افسانه‌ای قاف است).
- بود فراریش عنقا: یعنی فرار کردن علی علیه السلام از دشمن در عرصه نبرد. همچون عنقا، افسانه و نادرست است. به عبارت دیگر، عنی ع هرگز به دشمن پشت نمی‌کند و از برابر او نمی‌گریزد. مشهور است که زره آن حضرت پشت نداشت. در «حدیث رایث» نیز که در جنگ خیبر از رسول اکرم ص صادر شده، آمده است که آن حضرت درباره علی ع فرمود: «کزار غیر فرار».
۱۰. مصراع دوم: اشاره است به حدیث شریف نبوی، معروف به حدیث منزلت، که خطاب به علی علیه السلام فرمود: «... أَنْتَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِثِّي مَوْسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي». این حدیث را رسول اکرم ص در هفت جا فرمود. اسناد این حدیث در کتب معتبر فریقین از حد متواتر می‌گذرد.
۱۱. آیه تطهیر: اشاره است به آیه ۳۳ سوره احزاب که به نص آن، اهل بیت پیامبر اکرم ص از هر پلیدی پاک‌اند و به عبارت دیگر، پیامبر و اهل بیت مکرم آن حضرت (که در احادیث شریف و متواتر و مورد اتفاق فریقین نام برده شده‌اند) معصوم‌اند.
۱۲. معنی بیت: اشاره است به ماجرای اعزام ابوبکر (و عمر) از سوی رسول اکرم ص به سوی مکه برای ابلاغ آیات اولیه سوره برات (توبه) و سپس دستور به بازگرداندن آنان از نیمه راه و اعزام علی ع برای انجام آن مأموریت. و چون از آن حضرت علت را جویا شدند، فرمود: «بسم وحی شد که این آیات را یا خودت باید به مکه ببری یا شخصی از خودت، یعنی از اهل بیت خود» (رک: صحیح ترمذی، چاپ بولاق مصر، ۱۲۹۲ ه.ق. ج ۲، ص ۱۸۳؛ صحیح نسائی،

- ص ۲۰: مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۸۳؛ تفسیر طبری، ج ۱۰، ص ۴۶؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۵۱.
۱۴. اشاره است به حدیث بسیار مشهور و متواتر رسول اکرم ص که فرمود: «من شهر علمه و علمه و علمه در آن است؛ پس هر که خواهد به این شهر درآید باید از در آن وارد شود».
۱۵. روایات نبوی درباره علم علی علیه السلام و علم بودن وی از همه کس بعد از رسول خدا ص پیش از آن است که در این مختصر شود بدانها پرداخت.
۱۶. حیا و تعظیماً: از ادوات تحسین و بزرگداشت‌اند.
۱۷. نذر: در اینجا مراد بخشش است.
- «سلونی»: اشاره است به بیان امیرالمؤمنین ع: «سلونی قبل أن تفقدونی...» (هیچ‌لبانه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه‌های ۹۲ و ۲۳۱)؛ یعنی: پیش از آن‌که مرا از دست دهید هر چه می‌خواهید از من بپرسید.
- به‌گواهی تاریخ، هیچ‌یک از اصحاب پیامبر ص جز علی علیه السلام، چنین ادعایی نداشته است و این خود شاهی است بر علم و هیبت الهی آن‌حضرت.
- بوتراب الّا: یعنی اِنّا (مگر) بوتراب. (بوتراب کتبه‌ای است که رسول اکرم ص به‌عنوان علی علیه السلام دادند.)
۱۷. هفت احرف: اشاره است به حدیث نبوی که فرمود: قرآن هفت حرف بطن دارد و هر حرف بطن آن نیز هفت حرف بطن دیگر تا هفتاد حرف بطن.
- ایمّا: اشاره کردن. با دست و سر و جز آن نشان دادن، به‌مرز بیان کردن.
۱۸. پر از وحدت ز روز «گن»: یعنی حضرت علی ع از ابتدای ولادت (که در خانه خدا ص کعبه واقع شد) موحد بوده است.
۱۹. خدا اول ولی، ثانی نبی. ثالث علی مولا: اشاره است به آیه ۵۵ سوره مائده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُبَيِّنُونَ لَكُمُ الْوَسْطَىٰ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» مفسران بزرگ قرآن کریم اتفاق نظر دارند که این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است و داستان آن مشهور است.
۲۰. «فی درجتی»: اشاره است، به حدیث شریف نبوی که فرمود: «هر که می‌خواهد زندگی و مرگش چون زندگی و مرگ من باشد و در بهشتی که خدا به‌من وعده داده یا من باشد، علی بن ابی‌طالب را دوست بدارد؛ چون او هرگز شما را از هدایت بیرون نمی‌برد و به‌صلالت داخل

- نمی‌کنند». (رک: مستدرک‌الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۸؛ حلیة‌الاولیاء، ج ۴، ص ۳۴۹؛ کنز‌العقد، ج ۷، ص ۱۵۵؛ مجمع‌الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۸).
- ۲۲ و ۲۳. معنی دو بیت: موقوف‌المعانی: درهای خانه‌های همسران و بعضی اصحاب رسول اکرم ص به‌مسجدالنبی باز می‌شد تا این‌که آن‌حضرت، به‌امر الهی، فرمان داد همه درها بجز در علی ع و زهرا ع به‌مسجد بسته شود. این ماجرا نیز گواهی دیگر بر طهارت ذاتی حضرت امیر و حضرت زهرا علیهما السلام است. (رک: صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۲۰۱؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۶۹؛ صحیح نسائی، ص ۱۱۳؛ کنز‌العمّال، ج ۶، ص ۱۱۳؛ مستدرک‌الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۵؛ فتح‌الباری در شرح صحیح بخاری، تألیف شهاب‌الدین ابی‌الفضل عسقلانی معروف به ابن حجر، چاپ مصطفی بانی و پسران، ۱۳۷۸ هـ. ق، ج ۸، ص ۱۵؛ حلیة‌الاولیاء، ج ۴، ص ۱۵۳؛ تاریخ بغداد، تألیف حافظ ابی‌احمد بن علی خطیب بغدادی، مصر، ۱۳۴۹ هـ. ق، ج ۷، ص ۳۰۵؛ میزان‌الاعتدال دهلی، ۱۳۲۵ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۹۴).
۲۴. اشاره است به آیه ۵۹ سوره نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».
۲۶. سفته: هر چیز سوراخ شده، همچون مروارید سفته، نعل سفته.
۲۸. همه دیندار هندویش: یعنی همه دینداران غلام اویند (چه، یکی از معانی لغوی هندو، غلام اعبادت دیدن رویش: اشاره است به حدیث شریف نبوی که فرمود: «النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ (نظر کردن به‌چهره علی عبادت است). این روایت را محب ضبری در ریاض‌النفسه (ص ۲۱۹)، با ذکر داستانی از معاذه غفاریه و او به‌نقل از عایشه و او از قور پدرش آورده است. حاکم در مستدرک‌الصحیحین (ج ۲، ص ۱۴۱)، حافظ ابونعیم در حلیة‌الاولیاء (ج ۵، ص ۵۸)، هیشمی در مجمع‌الزوائد (ج ۹، ص ۱۱۹)، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد (ج ۲، ص ۵۱)، متقی هندی در کنز‌العمّال (ج ۶، ص ۱۵۲)، مناوی در فیض‌القرآن (ج ۶، ص ۲۹۹) نیز این حدیث را نقل کرده‌اند.
- مطلع ثالث**
۱. معنی بیت: یعنی حضرت علی ع در میان اصحاب برگزیده پیامبر اکرم ص، چون ماه است ستارگان؛ و رسول اکرم ص خود چون خورشید است.
- «الولاء»: اشاره است به جمله معروف «لَوْلَا لَنَا خَلَقْتَ الْأَفْلاكَ» در وصف رسول اکرم ص (ص ۱۰۸) نبودی، آسمان‌ها [و عالمیان] را نمی‌آفریدم.
۳. مسابق: پیشی گیرنده.

مماثل: همانند، همدان.

۴. از ماه تا ماهی: مراد آسمان‌ها و زمین است. بنا بر گمان قدما، زمین بر شاخ‌های گاوی نهاده شده که آن گاوی، خود بر پشت یک ماهی ایستاده است.

«حدیث طیب»: اشاره است به داستان معروف نزول مرعی بریان از بهشت برای حضرت رسول ص و درخواست آن حضرت از خداوند که «بهترین خلق خود را برسان تا با من از این مرغ بخورد» و علی علیه السلام از در وارد شد. علامه میر حامد حسین، مجلد چهارم از عقبات الانوار را به حدیث طیب اختصاص داده، اسناد و منابع و کیفیت دلالت آن را در ۷۳۸ صفحه رحلی آورده است. خلاصه آن در تفصیلات (مجلدات ۱۳ و ۱۴) در ۸۸۰ صفحه وزیری آمده است. ابن اثیر حواری در اسد الغابه (ج ۴، ص ۳۰) و منقی هندی در کنز العمال (ج ۶، ص ۲۰۶) نیز این حدیث را به همین صورت نقل کرده‌اند. اما حاکم در مستدرک الصحیحین (ج ۳، ص ۱۳۰) و هبتمی در مجمع الزوائد (ج ۹، ص ۱۲۵) آورده‌اند که مرعی مزبور را ام ایمن هدیه فرستاده بود.

۵. نماز حضرت اقدس: علاوه بر منابع شیعه، در منابع فراوانی از اهل سنت تصریح شده که حضرت علی علیه السلام در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌گذازد. بعضی از این منابع عبارتند از: «تعمیر القریه» (ج ۲، ص ۲۵۸ و ج ۴، ص ۱۱۷۱)، تاریخ ابن خلدون (ج ۳، ص ۲۷۴)، صفحۃ الصغره (ج ۲، ص ۱۰۰)، تهذیب التهذیب (ج ۷، ص ۲۶۹)، مشارق الانوار (ج ۱، ص ۲۰۱)، استغفار السبیین (ص ۲۱۹).

شاید هم اشاره باشد به داستان بازگشت خورشید از مغرب به درخواست رسول اکرم ص برای آن که علی بتواند نمازش را در وقت آن بگردد. (ر.ک: تفسیر کبیر فخر رازی، ذیل سوره کوشا، قصص الانبیاء اثر ثعلبی، بمبئی، ۱۲۹۴ هـ، ص ۳۴۰؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۷۷؛ ریاض النضره، ج ۶، ص ۲۹۷؛ صواعق المحرقة، ص ۷۶).

بخاری: مراد کتاب جامع صحیح اثر معروف امام بخاری است؛ که بزرگترین و مهمترین کتاب حدیث (در میان صحاح سته) در نزد اهل تسنن است.

۶. دم: خون؛ اصلی آن «دمی» بود به نظر بعضی «دمی» بوده که «ی» به کثرت استعمال حذف شده است.

۷. سزا و ضربه: آماج و سختی؛ خوشی و ناخوشی؛ خواری و دشواری (تفسیر ابوالفتح رازی).

۹. سلونی عن کتاب الله: ر.ک: توضیح بیت ۱۶ مطلع ثانی.

۱۰. ماء و طین وجود آدم و حواء اشاره است به حدیث منسوب به رسول اکرم ص که فرمود: «کُنْتُ بَیْنَهُمَا وَ كَانَ آدَمُ بَیْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ» (= آدم [ابوالبشر] در آب و گل بود [هنوز آفریده نشده بود] که من پیامبر بودم).

۱۱. ذرّج: صندوقچه جواهر.

«ما أَوْحِيَ»: اشاره است به آیه ۱۰ سوره نجم: «فَأَوْحِيَ إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى»: خداوند بر بنده خود وحی کرد آنچه وحی کرد.

معنی بیت: خداوند در شب معراج، در نزدیکترین نسبت خود با رسول اکرم ص، به آن حضرت معارفی وحی کرد که آن حضرت نیز آن معارف را چون درمی گران بها در صندوقچه قلب ت (= علی) جای داد و کسی دیگر را از آن معارف آگاهی نیست.

۱۲. رسی فردا مع القرآن...: اشاره است به حدیث شریف نبوی که فرمود: «عَلَىٰ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ». (ر.ک: مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۴) حدیث بسیار مشهور و متواتر «تقلین» نیز به همین معنا گواهی می‌دهد.

۱۳. معنی بیت: اگر جن و انس، حتی به اندازه یک نفس، بدخواه تو باشند، از جانب رسول اکرم ص تکفیر شوند.

۱۴. بهجا ایمان نه قائم دین: یعنی نه ایمان بدانند پیش علی علیه السلام یا برجاست و نه دین او قائم استوار.

اشاره است به احادیث متعدده از رسول اکرم ص درباره حب علی با اهل بیت و پیغمبر ص دشمنی با آنان. از آن جمله است: «... هر کس بر دشمنی آل محمد ص بمیرد کافر مرده است و بوی بهشت را احساس نخواهد کرد» و «ما اهل بیت را دوست نمی‌دارد مگر مؤمن دشمن نمی‌دارد مگر منافق شقی». (ر.ک: در مشور در تفسیر آیه «قرنی»: مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۱۷۲؛ کنوز الحقائق تألیف مناوی، ص ۵؛ ذخائر العقبی تألیف محب طبری، ص ۱ نورالابصار تألیف شبلیجی، ص ۱۰۳؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰).

۱۵. سرتابی: (مخفف سرتابیدن و سرتافتن) زوی گرداندن و نافرمانی کردن.

صایب: مفرد صابین؛ کلمه‌ای کلدانی است به معنی شوینده؛ و صابین چون همیشه در کنار نهرها آب‌ها جای دارند و خود را سیار شویند بدین نام خوانده شوند.

مطلع رابع

۱. وغایت: وغا، ونغی: بانگ و خروش، کارزار؛ ت: ضمیر متصل دوم شخص مفرد.

معنی مفسر: خداوند تو را در بین شیرو مردان کارزار از همه مستثنا کرده و بر تو قرار داده است.

- «لافتی الله» در جنگ احد، پس از فراز مسلمانان، تنها علی علیه السلام در میدان باقی ماند و از رسول اکرم حمایت می کرد که جبرئیل از آسمان ندا سرداد: «لافتی انا علی لاسیف انا ذو الفقار» (قرآن المصطفین، ج ۱، ص ۲۵۷). کسانی چون محمد بن جریر طبری در تاریخ خود و محب طبری در ریاض النصره شأن نزول این خطاب آسمانی را در جنگ بدر آورده اند.
۲. ذلزال: نام اسب (یا استرا) ماده و سپید رنگ پیامبر اکرم ص که آن را به علی علیه السلام بخشید.
۳. به دوش مصطفی بجای: رک: توضیح بیت ۲۹ مطلع بون.
- چرخ هفتمین: آسمان یا فلک هفتم بنا بر هیئت قدیم.
- به چرخ هفتمین رایت: رایت و اندیشه تو (علی علیه السلام) برتر از رایت همگان است.
- خلد هشتمین: برترین درجه بهشت، بهشت برین.
- مثنوی: جایگاه و مقام.
۴. فرّه: شأن و شوکت و شکوه و عظمت.
- تمکین: دست دادن. جای دادن. پایرجا کردن و توانا و قادر گرداندن بر چیزی. مکانت بخشیدن.
- شوکت و وقار، جاه و جلال، قوت و قدرت.
۵. «عَلَّمَ الْأَسْمَاء»: اشاره است به آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...» (بقره: ۳۱) و این که علی علیه السلام (پس از رسول اکرم ص) در عالم قبل از عالم دنیا آموزگار آدم علیه السلام بوده است. (ر.ک: احادیث مربوط به عوالم قبل از عالم دنیا در بحار الانوار و دیگر منابع معتبر روایی).
۶. طارم اُزرق: طارم. زرده اطراف و نیز بام خانه و گنبد را گویند. اُزرق: کبود، نیلی رنگ. آبی. طارم اُزرق کنایه از آسمان است.
۷. برادر شاه لولاکت: یعنی برادر تو پیامبر اکرم ص است. اشاره است به ستن عقد اخوت میان مسلمانان در مدینه به امر حضرت رسول ص و این که آن حضرت با علی ص پیمان برادری بست. یثرب: نام شهر مدینه قبل از هجرت رسول اکرم ص به آنجا.
- بطحاله: تیره دره که گذرگاه سیل است و در آن سنگریزه زیاد باشد. مراد سرزمین مکه است که خانه کعبه در آنجاست.
۸. غلمان: جمع غلام. و غلام بر افراد اطلاق می شود؛ خدمتگاران بهشتی به صورت امرد. اگر چه غلمان جمع است ولی فارسیان آن را به معنی مفرد استعمال کنند.
- حور(اء): مفرد حور، زن بهشتی شبه چشم سپید اندام.
۹. گنبد اخضر: کنایه از آسمان است.
۱۰. سعدین: دو ستاره زهره و مشتری.

یوآب: دربان.

قُطَیْن: دو قطب شمالی و جنوبی ادو ستاره واقع در هر قطب.

حُجَاب: (جمع حاجب) پرده داران.

سِبْطَیْن: مراد امام حسن و امام حسین علیهما السلام اند.

۱۱. راغ: دامن کوه که به جانب صحرا بافتد. در اینجا مراد خوش و خرم بودن است.

۱۲. نیر: نورانی و نورافشان.

۱۳. صفحه قطرت: عرصه و عالم آفرینش.

محو یا مٹبت: اشاره است به آیه کریمه «يُمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُبْقِي مَا يَشَاءُ أَمِ الْكِتَابِ» (رعد: ۳۹).

معنی بیت: خداوند آنچه را از حوادث عالم و مقدرات بشر که به اراده خود محو یا اثبات کند، همه

را بر قلب تو القا می کند و علم به آنها را پیوسته به تو می آموزد. بیشتر در توضیح بیت ۱۶ از

مطلع ثانی و بیت ۹ از مطلع ثالث گذشت که پس از رسول اکرم ص، تنها حضرت علی

علیه السلام بود که مکرراً می فرمود «هر چه را نمی دانید از من پرسید».

۱۴. به فرمانت فرزند سر: در اجرای فرمان تو سرعرازی کند و به خود بیاند.

۱۵. ناهید: ستاره زهره. در اوستا: آناهیتا، مرکب از «ان» علامت نفی و «اهیته» به معنی آلوده، جمعاً

یعنی: ناآلوده و پاک. این کلمه در اوستا صفت فرشته ای است مؤنث که نگهبان آب است و

مخفف آن ناهید است. بعدها آناهید را به ستاره زهره اطلاق کردند. یعنی همان ستاره زیبایی

که رومیان به آن عنوان الهیه زیبایی (ونوس) داده اند.

شب پُر: (مخفف شب پرنده) شب پره و شب پرک یعنی خفایش یا مرغ عیسی.

خربا(ء): سمندر. آفتاب گردک، آفتاب پرست (نوعی سوسمار است).

۱۹. عقول عشره: عقل های دهگانه، ده فرشتگان که به عقیده اکثر حکما، به ترتیب، واسطه فیض از ذات

واحد الهی به جهان مخلوقات اند.

۲۰. وادی ایمن: بیابان مقدس واقع در جانب راست کوه طور؛ صحرائی که در آنجا ندای خداوند

سبحان به موسی علیه السلام رسید. در اصطلاح عرفا عبارت از طریق تصفیه دل است تا آن را

قابل تجلی انوار الهی کند.

۲۱. فرخو: دارای اخلاق بلند و عالی (معادلی است بر ساخته شاعر از تعبیر قرآنی «خلق عظیم» که در

وصف رسول اکرم است).

عنبر سارا: عنبر بسیار خوشبوی و خالص (عنبر سار عنبر سر. نام شهری است در کشمیر).

۲۳. ز لوث ماء و طین دوری: اشاره است به آیه تطهیر (سوره احزاب: آیه ۳۳) که به استناد آن اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السلام از هر پلیدی پاک‌اند. داستان‌شأن نزول این آیه در کتب روایی شیعه و سنی به توأثر نقل شده است و نیازی به ذکر سند خاص ندارد.
محیط: دریای بزرگ، اقیانوس.

یازده دریا: کنایه از یازده امام علیهم السلام که از فرزندان علی علیه السلام‌اند.

۲۴. لَحْمَه: میانه آب دریا، دورترین موضع دریا که آب بیشتر دارد. عمیق‌ترین موضع دریای ژرف.
نیاساید تو را دولت: دولت (= مان و ثروت و دیگر امور دنیا) تو را از اندیشیدن به معارف والا باز نمی‌دارد.

نیالاید: آلوده نکند.

صَهْبَاء(ه): شراب انگور، شرابی که مایل به سرخی باشد.

۲۷. مجلس شورا: اشاره است به شورایی که به دستور خلیفه دوم برای تعیین خلیفه بعد از وی تشکیل شد.

۲۸. آیه «الْقُرْبَى»: اشاره است به آیه کریمه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳).

۳۰. تویی فاروق... تویی صدیق: اشاره است به حدیث شریف نبوی که در وصف علی^ع فرموده: «... او صدیق اکبر و فاروق این امت و یعسوب دین است». (ر.ک: استیعاب، ج ۲، ص ۶۵۷؛

اسدالغابه، ج ۵، ص ۲۸۷؛ ریاض‌التفسیر، ج ۲، ص ۱۵۵؛ مجمع‌الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۲؛

فيض‌القادر، ج ۴، ص ۳۵۸؛ کنز‌العمال، ج ۶، ص ۱۵۶؛ میزان‌الاعتدال، ج ۱، ص ۴۱۷).

۳۲. طوبی: نام درختی در بهشت که در هر خانه از اهل بهشت شاخه‌ای از آن باشد و میوه‌های گوناگون و خوشبو از آن به دست آید (هندیان آن را کلب برجهه خوانند).

۳۳. آبان: نام غلام سلطان محمود غزنوی که بسیار عزیزش می‌داشت.

قنبر: غلام حضرت علی علیه السلام که نامش ابوالشعناة مولی بن معمر بود و نام قنبر را علی علیه السلام به وی داد.

۳۴. «تِلْ أَحْيَاء»: اشاره است به آیه ۱۵۴ سوره بقره و آیه ۱۶۹ سوره آل عمران.

۳۶. حمر(ه): (مؤنث أحمر) سرخ رنگ حمره (که مُصَغَّرُ آن حمیراء است) هم زن سینه‌روی و هم زن سرخ‌روی معنی می‌دهد.

۳۷. شیلدا: دیوانه، آشفته و سرگردان، آشفته از عشق، سخت عاشق، شیفته، مجذوب.

۳۸. میزان: ترازو: اشاره است به آیات ۷ تا ۹ سوره رحمن.

۳۹. أَبْطَأَ: کندتر.

۴۰. غروة الوتقی: اشاره است به آیه ۲۵۶ سوره بقره و آیه ۲۲ سوره لقمان. مراد آن است که به ولایت و امید به شفاعت علی علیه السلام. همچون غروة الوتقی ارشته استوار و گس تا پذیرا در قیامت نجات بخش است.

۴۱. یَحِلُّ فرما: ببخش. پیامرزا، درگذر، حلال کن.

۴۵. مَهْبِطٌ: محل فرود آمدن و نازل شدن.

مهبط یاسین: مراد وجود مبارک رسول اکرم^ص است.

سبط: فرزند فرزندان، فرزندزاده، نوه.

مقصد طه: مراد حضرت رسول اکرم^ص است.

۴۸. حضرت موسی الرضا: مراد امام هشتم، حضرت علی بن موسی^ع ملقب به «رضا» است. به‌صورت شعری نام آن حضرت حذف شده است.

۵۱. مُشْكَ معمور: مشک عالی و ممتاز.

۵۲. لَعْلِ زَمَانِي: لعل اناری (سرخ) رنگ بسیار مرغوب و گران‌بها.



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی